



## برخی از دینداران از بر زبان آوردن نام همسران و دخترانشان پروا دارند، آیا این رویکرد صحیح است؟

برخی از دینداران از بر زبان آوردن نام همسران و دخترانشان پروا داشته ...

برخی از دینداران از بر زبان آوردن نام همسران و دخترانشان پروا داشته و با تعبیری چون «&#171;خانم»، «&#171;منزل»، «&#171;اهل بیت»، «&#171;ضعیفه» و ... از آنان یاد می‌کنند! آیا چنین رویکردی بر اساس موازین دینی بوده و نشان عفت و حیای افراد است؟

آیا پیامبر عایشه را در میان جمع حمیرا می‌خواند؟ چرا امروزه مسلمانان در میان جمع، همسران خود را منزل یا خانم صدا می‌کنند، آیا این بر خلاف معیار پیامبر اسلام(ص) نیست؟

بر اساس منابع اسلامی هم می‌توان نام بانوان را صریحاً بر زبان آورد و هم با تعبیر کنایی از آنان یاد کرد و هیچ‌کدام از دو رویکرد به تنهایی نشان از عفت و یا بی‌حیایی گوینده و یا جسارت به بانوان نیست. البته عرفی شکل گرفته که بر اساس آن، بردن نام کوچک بانوان چندان مناسب نیست. رعایت این عرف به دلیل آن‌که مخالفتی با شرع ندارد گرچه توصیه بدان نیز نشده است ایرادی ندارد به شرط این‌که از کلمات تحقیرآمیز استفاده نشود و موجب رنجش خاطر بانوان فراهم نیاید.

این‌که هنگام یاد کردن از بانوان چه همسر و فرزندان و اعضای خانواده و چه دیگران- آیا می‌توان نام آنها را برد و یا آن‌که باید از ذکر نامشان خودداری کرده و تنها با کنایه از آنان یاد کرد؟ در قرآن و روایات، دستورالعمل صریحی در این زمینه وجود ندارد، اما با مروری کلی در منابع اسلامی می‌توان به نتایجی دست یافت:

یک. هر دو مدل و روش در قرآن و روایات وجود دارند.

دو. هیچ‌کدام از این دو روش به خودی خود به معنای احترام و بی‌احترامی به بانوان و یا رعایت عفاف و عدم رعایت آن از طرف آقایان نیست.

سه. این موضوع بیشتر تابع عُرف است. به هر حال نباید با شیوه‌ای بانوان را مورد خطاب قرار داد که آنان احساس کنند که نسبت به آنان بی‌احترامی شده است و یا مورد تحقیر قرار گرفته‌اند.

با توجه به نکات فوق، اکنون مستنداتی برای آنچه گفته شد را مرور می‌کنیم:

1. «&#171;مریم» و «&#171;آسیه؛ همسر فرعون» دو تن از بزرگ بانوانی هستند که زندگی آنان سرمشقی برای جهانیان اعلام شده‌اند. [1] با این تفاوت که در دو عبارت پی در پی به نام «&#171;مریم» تصریح شده، اما از «&#171;آسیه» تنها با عنوان «&#171;همسر فرعون» یاد شده است و این تفاوت در شیوه نام‌&#171;shy;بردن، به هیچ وجه به معنای احترام به یکی و بی‌احترامی به دیگری نیست.

2. البته باید توجه داشت که جز «&#171;مریم» که نام او بیش از سی بار در قرآن تکرار شده است، بانوان دیگر، بدون ذکر نام و با شیوه‌های دیگری از آنان در قرآن یاد شده است؛ «&#171;مادر موسی»، [2] «&#171;همسر م»، [3] «&#171;همسرش»، [4] «&#171;همسرت»، [5] «&#171;همسر نوح و لوط»، [6] «&#171;برخی همسران پیامبر»، [7] «&#171;زن ابولهب» [8] و ... اشاره به بانوانی دارد که از ذکر صریح نام آنان در قرآن خودداری شده است.

همان‌گونه که مشاهده می‌کنید؛ شخصیت مثبت و منفی بانوان و یا مؤدب به آداب بودن افرادی که آن بانوان را مورد خطاب قرار داده‌اند، هیچ تأثیری در این موضوع ندارد که صریحاً نام بانویی بر زبان آید و یا از او با کنایه یاد شود. بر این اساس، نمی‌توانیم از قرآن چنین برداشتی داشته باشیم که کدامین شیوه از خطاب، مناسب‌تر است.

عبارات موجود در روایات نیز بر همین منوال است:

3. امام حسین(ع)، در ابتدای سخن خود، حضرت زینب(س) را تنها با تعبیر «&#171;خواهرم» مخاطب قرار می‌دهد، اما در ادامه سخن، نام او و دیگر بانوان را صریحاً بر زبان می‌آورد: «&#171;يَا اَحْتَاهُ تَعْرَىٰ بِعِزِّ اللّٰهِ فَاِنَّ سَكَانَ السَّمَاوَاتِ يَقْتُوْنَ وَاَهْلَ الْاَرْضِ كُلُّهُمْ يَمُوْتُوْنَ وَاَجْمِيعَ الْبَرِيَّةِ يَهْلِكُوْنَ ثُمَّ قَالَ يَا اَحْتَاهُ يَا اُمَّ كَلْتُوْمٍ وَاَنْتِ يَا رَيْتَبُ وَاَنْتِ يَا فَاطِمَةُ وَاَنْتِ يَا رَبَّاب ...». [9]

4. حدیث «&#171;فاطمَةُ بَضْعَةٌ مِثِّي» [10] را که پیامبر(ص) نام دخترشان را بدون هیچ کنایه‌ای بر زبان می‌آوردند، کمتر کسی است که نشنیده باشد.

5. دیگر پیشوایان معصوم(ع) نیز از به زبان آوردن نام بانوان ابائی نداشتند؛ امیرالمؤمنین علی(ع) بعد از پایان جنگ جمل خطاب به عایشه همسر پیامبر(ص) می‌فرماید: «&#171;كَيْفَ رَأَيْتِ صَنَعَ اللّٰهِ بِكَ يَا حَمِيْرَاءَ» [11] ای حمیراء (نام دیگر عایشه)! دیدی خدا با تو چه کرد؟!

6. پیامبر اسلام(ص) علاوه بر ذکر نام فاطمه(س) در میان جمع، عبارات مهربانانه‌ای چون «&#171;عزیزم» را نیز خطاب به ایشان می‌فرمودند. [12]

7. امیرالمؤمنین علی(ع) نیز از به کار بردن چنین اصطلاحاتی برای همسرشان دریغ نداشتند:

&#171#یا فاطمة حبیبتی و بنت اُحمد یا بنت من سماء الله فهو مُحَمَّد» [13]

یعنی؛ ای فاطمه! عزیزم! دختر احمد! دختر پیامبری که خدایش محمد نام نهاد.

8. اطرافیان معصومان نیز نام همسران پیشوایان خود و نیز دیگر بانوان منسوب به آنان را بر زبان می‌آوردند بدون آن‌که نگران هیچ نكوهشی در این زمینه باشند!

با مروری در تاریخ به سادگی درخواست یافت که هیچ صحابی از بر زبان آوردن نام &#171#فاطمه» و یا همسران پیامبر بی‌می‌داشت. در زمان دیگر پیشوایان دینی نیز همین روند ادامه داشت، همان‌طور که عبد الأعلى نقل می‌کند: &#171#امّ فروه (مادر امام صادق) را دیدم که با لباس ناشناس در حال طواف کعبه بود و ...» [14]

محمد بن عبدالله طهوی روایت می‌کند که بعد از شهادت امام عسکری(ع) من به سمت &#171#حکیمه» دختر امام جواد(ع) روانه شدم تا اطلاعاتی در مورد امام زمان(عج) به دست &#171#آورم. [15] و روایات دیگر که می‌توان به آنها استناد کرد.

بدین ترتیب، شواهدی وجود دارد که تا آغاز غیبت صغری بردن نام بانوان به صورت صریح و استفاده نکردن از کنایات، نشان از مقید نبودن گوینده به آموزه‌های دینی و عفاف و حیا نبود و جسارتی به آن بانویی که نامش بر زبان‌ها می‌آمد نیز به شمار نمی‌آید!

با این وجود، عرف‌هایی شکل گرفته است که بر اساس آن، شاید بردن نام بانوان کمی دور از حیا و عفت به نظر می‌آید.

آنچه امروزه در رویکرد برخی از افراد &#171#متدین و غیر متدین» در نام &#171#شاید بردن از بانوان مشاهده می‌کنیم، برگرفته از همین عرف‌ها بوده و نمی‌توان آن‌را مستقیماً به شرع مقدس نسبت داد.

بله! انسان اجتماعی باید ضوابط عرفی را تا آنجا که مخالف شرع نباشد رعایت کند و بر همین اساس، اگر فردی امروزه از همسر و دخترش با کنایه نام برد، نمی‌توانیم او را به مخالفت با سیره دینی متهم سازیم؛ زیرا او با رعایت این عرف، خلاف شرعی مرتکب نشده است و چنانچه بیان شد، نام بردن با کنایه نیز در منابع دینی وجود دارد.

البته باید دقت شود که نام‌های کنایی به شیوه‌ای انتخاب شوند که از کلمات تحقیر &#171#آمیز در آنها استفاده نشده و این احساس را در بانوان به وجود نیارد که به شخصیتشان بی‌احترامی شده است.

[1]. تحریم، 11 12: &#171#وَوَصَّرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ اِذْ قَالَتْ رَبِّ اِنَّ لِي عِنْدَكَ بَيِّنَاتٌ مِّنْ جَنَّتِي وَ تَجِّنِي مِّنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهٖ وَ تَجِّنِي مِّنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي اٰخَصَّتْ فَرْجَهَا فَنفَخْنَا فِيْهِ مِنْ رُّوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كَانَتْ مِنَ الْقَائِمِيْنَ».

[2]. قصص، 7 و 10.

[3]. آل عمران، 40؛ مریم، 5 و 8.

[4]. اعراف، 83؛ هود، 71؛ حجر، 60؛ انبیاء، 90؛ نمل، 57؛ عنکبوت، 32؛ ذاریات، 29؛ مسد، 4.

[5]. بقره، 35؛ اعراف، 19؛ هود، 81؛ عنکبوت، 33؛ احزاب، 37.

[6]. تحریم، 10.

[7]. تحریم، 3.

[8]. مسد، 4.

[9]. &#171#خواهرم، تو به وعده‌های الهی دلگرم باش که ساکنین آسمان‌ها همه فانی گردند و اهل زمین همه می‌میرند و همه مخلوقات جهان هستی راه نیستی می‌پیمایند سپس فرمود: خواهرم ام کلثوم و تو ای زینب و تو ای فاطمه و تو ای رباب توجه کنید! من که کشته شدم گریبان چاک مزیند و صورت به ناخن مخراشید و سخنان بیهوده بر زبان می‌آوردید؛ سید بن طاوس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص 82، انتشارات جهان، تهران، 1348 ش.

[10]. ر.ک: علت صدور حدیث &#171#فاطمه بضعة منی»، سؤال 33561.

[11]. شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص 304، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول، 1403ق.

[12]. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر، ص 63، انتشارات بیدار، قم، 1401ق.

[13]. فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، ص 523، مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، تهران، چاپ اول، 1410ق.

[14]. کلینی، محمد بن یعقوب، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، ج 4، ص 428، ح 6، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ چهارم، 1407ق.

[15]. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2، ص 426، ح 2، دار الکتب الاسلامیة، تهران، چاپ دوم، 1395ق.